

# آموختن لغات و کلمات در دبستان

نگارش آقای حبیب‌الله خان صحیحی  
رئیس دانشسرای طهران

## شالوده:

- ۱ - کلمات بمنزله بدن برای مفاهیم هستند .
- ۲ - اول اسامی اشیاء محسوس بعد کلمات راجع بمفاهیم مجرده .
- ۳ - حتی الامکان با بدرباطه‌ای بین کلمات برقرار نمود .
- ۴ - تعلیم لغات باید تدریجی باشد .
- ۵ - تعلیم لغات پس از دروس دستور

۱- کلمات بمنزله بدن برای مفاهیم هستند — همانطوریکه نجار و آهنگر بدون تیشه ورنده و مته و سندان از انجام کارهای خود عاجزند نویسنده و گوینده هم آلات و ابزارشان کلمات چندی است که بدون آنها مقاصد و افکار درونی خود را اظهار نتوانند کرد اما برای اینکه باشم مقصود یعنی بیان افکار خود ناآل شوند باید کلماتی را که استعمال میکنند مفاهیم معانی مخصوص در نزد آنها دارا باشد و الا کلماتشان جز اصوات و نوشتجاتشان جز علاماتی چند در روی کاغذ نخواهد بود .

دائره معلومات لغوی اطفال بسیار تنگ است و اگر احیاناً مفاهیمی هم در ذهن آنها موجود باشد چون هنوز آنها را بقلب الفاظ نریخته‌اند از گفتن مقصود و حالی کردن معنی عاجز میمانند با اینمناسبت است که گفته‌های آنها پراز کلمه «چیز» یا ناظر آنست مثل اینکه میگویند :

(در خیابان می رفتم چیزی را دیدم که دارای چهار چیز بود - کتاب من دیر و زرد چیز کم شد).  
پس یکی از کارهای آموزگار در دبستان این خواهد بود که دائره اطلاعات کودک را حتی الامکان وسیع کند و در ضمن فارسی - بخصوص در درس دستور - کلمات تازه را با مفهوم حقیقی بدانها بیاموزد و نیز کلماتی را که خود اطفال استعمال میکنند از حیث معنی تصحیح و تصریح نماید .  
نکات و قواعد چند برای اینکار در دست است که اگر آموزگار بکار برد گمان می‌رود که زود بمقصود برسد. در اینجا ما بجز بعضی از آنها می‌برداریم :

۲ - اول اسامی اشیاء محسوس بعد کلمات راجع بمفاهیم مجرد — در ابتدا یعنی در کلاسهای اول و دوم باید کلماتی را بطفل یاد دهند که مربوط باشد با شئی که او عین یا تصویر آنها را می‌بیند. از قبیل اشیاء کلاس، قسمت‌های مختلفه بدن و غیره اگر رویه معلم غیر از این باشد و متلاز خارج بگوید : آهک - کج - ظرف سفالین - اره - رنده . . . . بدون اینکه اصل و یا تصویر آنها را نشان بدهد بیم آن می‌رود که کلمات بزودی از نظر طفل محو گردند.  
این حقیقت و اصل مسلم را نباید از نظر دور داشت که:

کلمات بخودی خود هیچ ارزشی ندارند و ارزش آنها فقط مربوط باشیانی است که آن کلمات معبر آنها هستند .

( در اینجا از دم موزه کوچکی که حاوی اشیاء گوناگون از قبیل اقسام سنگ - اقسام چرم - اقسام زغال - استخوانهای حیوانات - ظروف سفالین - کاغذهای رنگی بالوان مختلف . . . . و هم چنین تصاویر حیوانات و نباتات و اقسام وسائط نقلیه و غیره را برای هر دبستانی متذکر شده آقایان مدیران و آموزگاران را تهیه آن دعوت می نماید بدیهی است آن قسمت را که تهیه اش پول لازم دارد وزارت معارف کمک کرده مابقی را خود کارکنان و شاگردان در ضمن گردش های علمی تهیه خواهند نمود ) .

پس از آن آموزگار توجه طفل را باشیاء خارج از مدرسه معطوف می سازد از قبیل ابزار و آلاتیکه در حرفه های محلی بکار میرود مانند : رنده - تیشه - چکش - مته - گازانبر درنجاری و مال - دیلم - کلنگ - گونیا - طراز و امثال آنها در بنائی و در آهنگری دم - سندان - پتک و غیره .  
بعد باشیائی خواهد پرداخت که در جاهای دیگر وجود دارد مثل کشتی - راه آهن - دریا - جنگل و امثال آنها .

بالاخره از چیزهای ما دی گذشته کلمات مربوط باخلاقیات و عقاید را خواهد آموخت و چون این قبیل کلمات عموماً از جزء مفاهیم مجرد است برای اینکه بهتر بمقصود برسد لازم است که از معلوم بمجهول برود یعنی بهتر است موضوع را قبلاً بطور محسوس حالی نماید (مثلاً بچه دروغگو - دروغ - مرد خسیس - خست - کاسب امین - امانت . . . .) .

۳ - حتی الامکان باید رابطه ای بین کلمات برقرار نمود - کلماتی را که معلم یاد میدهد نباید مانند لغات فرهنگ نسبت بیکدیگر بیگانه باشد بلکه باید سعی کند حتی الامکان چیزهایی را انتخاب کند که بتوان میان آنها رابطه ای برقرار نمود مثل قسمت های مختلفه یک خانه و یک درخت قطعات مختلفه یک میز یک گاو آهن و غیره تا عبارات کوچکی که بوسیله این کلمات تشکیل می شود من حیث المجموع شرح موضوع و باشیئی باشد و این عمل در حقیقت تمرین است برای انشاء و بسیار مفید و مؤثر می باشد .

در ابتدا عبارات قبلاً تهیه شده و در هر کدام جای یک کلمه باقی گذاشته شده است که شاگرد باید پر کند :

مثال - عبارات ذیل را بوسیله یکی از این کلمات ( تاجر - صندوقدار - دفتردار - فروشنده - نماینده - مستخدم ) تکمیل کنید :

... مال التجاره (یا جنس) می خرد و می فروشد - تاجر مهم در غالب شهرها . . . دارند - در مغازه هر تاجری معمولاً چند نفر . . . کار میکنند - در پشت میزها ایستاده اجناس را بمشتریان نشان می دهند - خرید و فروش بومیه را . . . در دفاتر مخصوصی نوشته حسابش را نگاه میدارد - . . . مامور تحویل گرفتن و تحویل دادن پول است - . . . بسته ها و صندوق هایی که باید بخارج فرستاده شود محکم می بندد .

بعد بوسیله کلمات معینی (اسم و فعل و صفت و . . . .) طفل تشکیل عبارات خواهد داد این عمل در حقیقت عکس عمل فوق است .

مثال - بوسیله کلمات ذیل ( فروش - کارخانه - مرغوب - پشم - نقش و نگار ) چند عبارات درست کنید :

در ایران کارخانه های قالی بسیار است - فرشهاییکه از این کارخانه ها بیرون میاید غالبا گرانها است - خوبی قالی بسته بمرغوبی بشم و طرز بافت و نقش و نگار آنست .

لزوم این قبیل تمرینات را هیچکس نمیتواند منکر شود زیرا بوسیله آنها طفل قادر خواهد شد که کلمات راصحیحا در گفتگوهای روزانه خود استعمال کرده ویی بفاهیم حقیقی آنها ببرد .

۴ - **تعلیم لغات باید تدریجی باشد** - چنانکه در فوق گفته شد در کلاسهای يك و دو باید کلمات معمولی و مستعمل که معبر اشیاء اطراف طفل و عملیاتی که خود میکند و یا میبیند که میکنند باو یاد دهند . در کلاسهای بعد بتعلیم کلمات مرکب و مشتق و مترادف و متضاد و مشترك و متشابه و اضداد خواهند پرداخت .

تعلیم ترکیب و اشتقاق ( البته نه بصورت علمی که در دبیرستانها تدریس میشود ) بیش از آن مفید است که بتوان تصور نمود .

بامثال های متعدد معلم بشاگرد نشان میدهد که چطور کلمه ای را باجزاء خود یعنی بریشه که قسمت اصلی کلمه است و زوائد تجزیه میکنند و از ائمنز بور گاه بر سر کلمه در میآیند ( حرف اضافه Prefixe ) مثل : بر آمده در آمد - باز آمده - سر آمده - فر آمد ... و گاه دنبال کلمه ( ادوات Suffixe ) مثل : زر گر - برز گر - کامکار ستمکار ... آموز گار . باید معنی هر يك از این ادوات و باحروف اضافه را بخوبی بفهماند زیرا از اینرا معانی بسیاری از کلمات بخودی خود معلوم میگردد : شاگردی که معانی ( ستان - گر - آ - مند ) را فهمیده کلمات : کردستان ، ترکستان ، گلستان - زر گر ، مسگر ، کار گر - پینا ، شنوا ، گویا - برومند ، خردمند ، دانشمند و غیره را بخوبی خواهد فهمید .

و نیز هر گاه معانی : خانه و کده و خدا را که با آنها کلمات مرکب می سازند بیاموزد بیکدفعه معانی کلمات رودخانه ، بالاخانه ، میخانه ، شرفخانه - میکده ، آتشکده ، رود کده ، دانشکده - کد خدا مرد خدا ، ناخدا ، دهخدا ، ناخدا ، خداوند کارا را نیز آموخته است .

همانطوریکه شناختن معانی زوائد کمک بفهم معانی بسیاری از کلمات میکنند شناختن معنی ریشه و پیدا کردن آن ریشه در کلمات هم برای این امر مفید خواهد بود مثلا کلمه ( دش و دژ ) یعنی ضد و مخالف بنا بر این کلماتیکه از ایندو کلمه مشتق میشوند معانیشان براحتی فهمیده میشود - دشنام یعنی الفاظ مخالف شهرت خوب - دشمن یعنی ضد من - دشوار ( که اصلش دشخوار است ) یعنی ضد آسان دژخیم ( بضم و یا بکسر دال ) یعنی بدخوی و زندانبان و مخالف مهربانی و ملاطفت - دژ کلمه یعنی پرهیز کار ( کسیکه برخلاف کام و هو او هوس خود رفتار میکند )

تمرینات مربوط بکلمات متضاد از این حیث مفید است که بچه را وادار میکند مفهومی را از دو نظر مخالف بنگرد مثل قدم راه رفتن و گنبد راه رفتن - اقدام از روی تهور - اقدام از روی چین .

کلمات مترادف آنهایی هستند که تقریبا یک معنی را ولی با مختصر اختلافی می رسانند مثل فراز و باز .

آموختن کلمات متشابه برای املاء خوبست مثل ثواب و صواب ، محذور و محظور .

کلمات مشترك یعنی آنهایکه بلفظ واحد دارای معانی مختلف باشند ، مثل تیر که دارای معانی عطار د ، چوب ، سهم ، بخش ، تیره ، ماه ( ماه تیر ) ... میباشد .

کلمات اضداد یعنی آنهایکه دو معنی ضد دارند مثلا در این عبارت :

وان بکاد بخوانید و در فراز کنید ( یعنی هم به بندید و هم باز کنید ) کلمات مشترک و اضداد و متشابه معانی شان در عبارات بقرینه ماموم خواهد شد. مقصود اینست که تا معنی عبارات را اطفال نفهمند. معانی کلمات را نخواهند فهمید .

۵ - **تعلیم لغات پس از درس دستور** - بالاخره تمرینات مربوط بکلمات خوبست مربوط بدروس دستور باشد، یعنی در ضمن اینکه هر يك از قواعد و تعاریف دستوری تدریس می شود بلافاصله باید بآموختن کلمات و لغات لازم نیز پردازند مثلاً در ضمن درس راجع بصفات، شاگرد باید برای هر يك از اسمائیکه صورت داده شده صفات متناسبی پیدا کند. مثلاً : سنگ سفید - دج قرمز - مرمر شفاف برک سبز - درخت تنومند ...

و نیز در ضمن درس راجع بفعل شاگرد مثلاً افعال را پیدا خواهد کرد که مربوط باعمال خود در مدرسه باشد. مثال : من بحرف معلم خود گوش میدهم - درست را خوب جواب بده - او تکلیف خود را پاکیزه نوشت .

و نیز افعال متنی را که زیرشان خط کشیده شده بزبان حال یا استقبال در آورید. مثال :

من شکلی را در کتاب جستجو میکردم. شاگرد درست خواهد کرد من جستجو میکنم یا خواهم کرد .

و نیز از مصادر ذیل: جهیدن، دزدیدن... اسم درست کنید «جهش، جست و خیر - دزد ، دزدی».

و نیز از اسمی ذیل مصدر درست کنید: بیل ، ازه ، کارد ، شاگرد درست خواهد کرد :

بیل زدن - ازه کردن - ازه کشیدن - کارد زدن - کارد کشیدن ...

و نیز کلمه خوردن را در افعالی که استعمال میشود ذکر کنید :

خوردن غذا - غذا خوردن - زمین خوردن - کتک خوردن - ضربت خوردن - شکست خوردن

توسری خوردن - صدمه خوردن - غصه خوردن - افسوس خوردن - حسرت خوردن - بیکه خوردن

سر خوردن - سر کسی را خوردن - یا خوردن - دست خوردن - حرص خوردن - نظر خوردن - تنه

خوردن - باد خوردن - هوا خوردن - خود خوردن - سکه خوردن - تکان خوردن - گول خوردن و غیره.

## معارف در روسیه

بموجب تصویبنامه ای که اخیراً از طرف هیئت کمیساریای اتحاد جماهیر شوروی و کمیته

مرکزی حزب کمونیست وضع گردیده برای نوسه دادن مدارس در سنه ۱۹۳۵ در تمام شهر

های اتحاد جماهیر شوروی باید سیصد و هفتاد و چهار باب مدرسه که گنجایش دو بیست و چهل

هزار و سیصد و نود نفر شاگرد را داشته باشد ساخته شود و مصارف تأسیس مدارس مزبوره

معادل دو بیست و بیست و سه میلیون و نهصد و هفتاد و هشت هزار منات بر آورد شده و بر طبق

تصویبنامه مزبور در شهرهای عمده تا سنه ۱۹۳۷ و در نقاط شوروی تا سنه ۱۹۳۸ تحصیل در

مدارس باید در يك نوبت باشد. علاوه اهمیت مخصوصی به تربیت اخلاقی اطفال داده شده است .

عده محصلین در مدارس شوروی مطابق احصائیة دولتی فعلاً معادل ۲۴ میلیون وعده

مدارس در تمام خاك شوروی بالغ بر ۱۶۷ هزار باب میباشد .